

## بازشناسی منظر فرهنگی - آیینی هورامان با تأکید بر مراسم زیارت پیرشالیار

پردیس حنیفی - کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی همدان، مدرس گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران.  
امین ابراهیمی دهکردی\* - پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (بین الملل)، مدرس گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران.  
سیداحسان بلادی ده‌بزرگ - پژوهشگر دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج، مدرس گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران.

### چکیده

منظر فرهنگی شامل تعامل عوامل مختلف فرهنگی - طبیعی میان انسان و محیط در طول تاریخ است. علاوه بر این مناظر فرهنگی واجد هویت، تاریخ، حافظه جمعی و ارزش‌های یک منطقه هستند و از این رو حفاظت از آنها امری مهم و حایز اهمیت فراوانی است. منطقه هورامان کردستان با مرکزیت فرهنگی زیارتگاه پیرشالیار و رسوم مرتبط با آن امروزه به منظر فرهنگی و شناسنامه هورامان تبدیل شده است. زیارتگاه پیرشالیار به لحاظ موقعیت جغرافیایی همچون دیگر زیارتگاه‌ها و اماکن مقدس ایران باستان و خصوصاً بناهای مقدس زرتشتی که از قرن‌ها پیش در سرزمین ایران ساخته شده‌اند، در کنار کوه، چشمه و درخت قرار گرفته است که یادگاری از باورهای کهن ایرانیان مبتنی بر طبیعت‌گرایی بوده و ریشه در اعتقاد به ایزدان طبیعت داشته‌است. از طرفی میراث فرهنگی معنوی در قالب: مراسم زیارت، پوشش، رسوم، جشن‌ها و ... در کنار عوامل کالبدی به عنوان عواملی مهم و هویت‌بخش در میان هورامیان برجای مانده است، این مجموعه، منظر فرهنگی - آیینی را به وجود آورده است که واجد ارزش‌های بسیاری است. این پژوهش برای نخستین بار نشان می‌دهد که فرهنگ ساکنان و زائران زیارتگاه پیرشالیار در طول زمان سبب شکل‌گیری رفتار و کنش‌های خاص و به تبع آن منظر فرهنگی با محوریت زیارت و آیین گردیده است و نوعی الگوی رفتاری را در منطقه نهادینه کرده است. پژوهش حاضر برای اولین بار به دنبال آن است که با معرفی و بررسی ویژگی‌های منحصر به فرد منظر فرهنگی این منطقه از دیدگاه هورامیان و گردشگران به تبیین آن بپردازد. روش پژوهش در این تحقیق مطالعه اسناد کتابخانه‌ای و مروری بر ادبیات و مبانی نظری تحقیق و همچنین مشاهدات میدانی و پیمایش منطقه بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که فرهنگ ساکنان و زائران پیرشالیار در طول زمان سبب شکل‌گیری نوع خاصی از منظر فرهنگی در هورامان شده است، در حقیقت می‌توان چنین بیان داشت که تعامل هماهنگ «بستر طبیعی زمین (طبیعت)»، «ملاحظات فرهنگی و آیینی (معنوی)» و «معماری خاص منطقه (کالبدی)» سبب بروز و ظهور «ویژگی‌های بنیادین منظر فرهنگی - آیینی» هورامان شده است که با وجود شباهت‌های ساختاری با سایر مناظر فرهنگی دارای ویژگی‌هایی منحصر به فرد و یگانه می‌باشد.

واژگان کلیدی: پیرشالیار، منظر فرهنگی، منظر آیینی، هورامان، هورامی

## مقدمه

باورها و آیین‌های ایران باستان در ارتباط مستقیم با طبیعت و بزرگداشت و نیایش عناصر طبیعی بوده است. بیشتر بناهایی که در دل کوه‌ها، کنار چشمه‌ها و درختان مقدس بنا شده و نیایشگاه نیاکان ما بوده‌اند و تا امروز نیز زیارتگاه زرتشتیان و مسلمانان است (سجادزاده، ۱۳۹۳). هورامیان در طول سالیان زیستگاه خاص خود را در دل طبیعت دره هورامان پدید آورده‌اند. طی این سالیان همنشینی آنان تجربه‌ی مشابهی از سکونت در این ناحیه یافته‌اند. همین تجربه است که به آن‌ها هویتی واحد بخشیده است، تجلی این هویت واحد را می‌توان در منظر فرهنگی - آئینی هورامان نظاره کرد (حنیفی، ۱۳۹۰). زندگی هورامیان که امروزه در بسیاری از وجوه کیفیت هزاران ساله‌اش را حفظ کرده به صورت‌های گوناگون ظهور یافته است، همان‌ها که مظاهر فرهنگ می‌خوانیم. معماری تنها یکی از این مظاهر است که معرف کیستی اهالی جایی و کجایی سرزمینشان است. معماری هورامان با اندیشه، منش و رفتار مردم هورامی پیوندی زنده دارد. اگر فرهنگ را مقوله‌ای تعریف کنیم که ریشه در گذشته دارد، هورامی بودن نیز ریشه در فعالیت‌های هزاران سال گذشته دارد. دره هورامان به واسطه اینکه از رویدادهای اصیلش خالی نشده است هنوز زنده است؛ و ارتباط هورامی با گذشته فرهنگی‌اش هنوز قطع نشده است. این موجود زنده امروزه به سبب توجهی که به آن می‌شود با عامل جدید و بیرونی گردشگر مواجه است. حال نکته اساسی و مورد توجه این پژوهش بازشناسی منظر فرهنگی - آئینی هورامان و عوامل سازنده، تأثیرگذار و تداوم‌بخش آن می‌باشد که مجموعه‌ای بسیار پیچیده است و می‌توان تنها به شاخص‌های اصلی که ترکیبی از عوامل طبیعی و مصنوعی (فرهنگی) می‌باشند.

## ۱. پرسش‌های پژوهش

الف) ماهیت منحصر به فرد منظر فرهنگی - آئینی هورامان چیست؟  
 ب) عوامل سازنده، تأثیرگذار و تداوم‌بخش منظر فرهنگی - آئینی کدامند؟  
 ج) همنشینی مجموعه آداب و رسوم بومی هورامان در بستر طبیعت چگونه منظر فرهنگی - آئینی را به وجود آورده است؟  
 اهداف اصلی: بررسی مفهوم زیارت و تأثیر آن بر منظر فرهنگی هورامان.

اهداف فرعی: تبیین و شناخت بازنمایی عوامل سازنده منظر فرهنگی - آئینی پیرشالیار. بازشناسی کیفیت‌های تجربی و معنایی سازنده منظر فرهنگی - آئینی زیارت پیرشالیار. معرفی شاخص‌های مبین منظر فرهنگی منحصر به فرد هورامان. فرضیه‌ها: منظر فرهنگی - آئینی هورامان علاوه بر جغرافیای

طبیعی و رسوم بومی بر پایه کیفیت‌های تجربی و معنایی مراسم زیارت پیرشالیار شکل گرفته است.

## ۲. پیشینه پژوهش

پیرامون موضوع منظر فرهنگی، به عنوان شاخه جدیدی از مطالعات شهری پژوهش‌ها و مطالعات زیادی صورت نگرفته است. با این حال می‌توان به چند مورد از مطالعاتی که در چارچوب پژوهش‌هایی نزدیک به موضوع این مقاله به منظر فرهنگی پرداخته‌اند اشاره نمود:

حسنعلی لقای به همراه محمدعلی لقای و میترا عزیزی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «بهسازی محوطه‌های تاریخی و مناظر فرهنگی با رویکرد توسعه گردشگری پایدار» به اهمیت منظر فرهنگی از نظر گردشگری پرداخته‌اند و منظر فرهنگی را علاوه بر نقش بازتاب‌دهنده هویت فرهنگی جامعه دارای ارزش‌های توریستی دانسته‌اند.

مینو قره بگلو (۱۳۹۳)، نیز در مقاله‌ای با عنوان «بازشناسی عناصر شهر خلاق در ارتباط با پایداری منظر فرهنگی شهر سنتی نمونه موردی شهر اصفهان». منظر فرهنگی را از مهم‌ترین عوامل پایداری در رویکرد شهر خلاق دانسته است و این موضوع را در شهر اصفهان مورد بررسی قرار داده است، به این صورت که ابتدا به بازشناسی عناصر شهر خلاق پرداخته سپس در گام دوم با استفاده از روش توصیفی ضمن بازبانی نقش عوامل فرهنگی در زنده و پویا نگه‌داشتن کالبد شهرهای سنتی به الگویی جدید از توسعه پایدار بر مبنای منظر فرهنگی پرداخته است.

مقاله «اشکفت سلمان و منظر فرهنگی مروری بر نیایشگاه الیمایی در شهرستان ایذه از منظر فرهنگی و گردشگری پایدار» نیز به قلم، مریم فرهادی و محمدمهدی همتی (۱۳۹۳)، به فرآیند شکل‌گیری و تداوم منظر فرهنگی پرداخته و سپس این اصول را در منظر فرهنگی شهرستان ایذه با محوریت نیایشگاه الیمایی مورد بررسی تطبیقی قرار داده‌اند.

شیرین حسنونند (۱۳۹۲)، با مقاله «تقدس کوه و آب در فرهنگ‌های باستانی و تأثیر آن بر شکل‌گیری منظر فرهنگی بیستون» بر ارتباط منظر فرهنگی با فرهنگ باستانی و تقدس عناصر شکل‌دهنده به آن پرداخته است.

## ۳. روش پژوهش

این تحقیق به روش توصیفی، پیمایشی انجام پذیرفته است، از آنجا که مبحث «منظر فرهنگی» به عنوان علمی نسبتاً نوپا، دارای ریشه‌های عمیق تری در کشورهای توسعه یافته است، لذا با استفاده از منابع لاتین، به اختصار مبانی نظری و تعاریفی پیرامون مفهوم «منظر فرهنگی» مورد بازخوانی قرار گرفته شد و پس از آن، با استناد به تصاویر تهیه شده، کتب و مقالات مرتبط و

همچنین مصاحبه و مشاهدات میدانی، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری منظر فرهنگی و آیینی در هورامان مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته است.

#### ۴. مبانی و چارچوب نظری

##### ۴-۱. منظر فرهنگی هورامان به مثابه الگوی رویدادها و فرهنگ بومی هورامان

اگر رویدادها در یک جامعه را مظهر فرهنگ آن جامعه بدانیم، یکی از راه‌های بررسی فرهنگ، نظر کردن به رویدادهایی است که در آن جامعه اتفاق می‌افتد (رابوپورت، ۱۳۸۲، ص ۵۶). همین رویدادهاست که در هر فرهنگ، اماکن و بناها را، از اماکن و بناهای فرهنگ‌های دیگر متمایز می‌کند<sup>۱</sup>. و چنانچه تعریف ما از فرهنگ، تجربه تاریخی مردمانی در سرزمینشان<sup>۲</sup> باشد، این تجربه به منظور حفظ بقا و سعادت آنان، ناگزیر در خلق و خو و آداب و رسوم و باورهایشان ظهور یافته است. در هر فرهنگ انسان‌ها دارای عقاید و جهان‌بینی‌ای هستند که کمال مطلوبی را متجلی می‌کند. بنابراین رویدادهای انسانی، خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه، هر چه باشد در چارچوب فرهنگ اتفاق می‌افتد.

هر کس می‌تواند موقعیت‌های بلافصل خود را تغییر دهد؛ می‌تواند حرکت کند و زندگی‌اش را دگرگون کند؛ اما ممکن نیست بتوانیم از حدود مجموع الگوی رویدادهایی که فرهنگ ما در اختیارمان می‌گذارد فراتر برویم (الکساندر، ۱۳۸۶، ص ۵۷) و اصلاً این سازوکاری است که سبب می‌شود فرهنگ پدید و از نسلی به نسل دیگر منتقل شود. این الگوها همان قواعدی است که فرهنگ ما از طریق آن‌ها خود را صیانت می‌کند، خود را زنده نگه می‌دارد، و با ساخته شدن زندگی‌مان به واسطه این الگوی رویدادهاست که ما فرزند فرهنگمان هستیم (همان، ۵۸). پس چنین نیست که صرفاً رویدادها از فرهنگ اعتبار گیرند؛ بلکه اصلاً فرهنگ از طریق رویدادهای انسانی در زندگی ما اعمال نفوذ می‌کند و رویدادها مظاهر فرهنگ ما است. یعنی: هر شهر، هر محله و هر بنا، مطابق فرهنگ غالب خود مجموعه خاصی از این الگوی رویدادها دارد. الگوی رویدادهایی که پیوسته تکرار می‌شود خود را با فضا ملازم می‌سازد. این بدان معنا نیست که فضا رویدادها را پدید می‌آورد یا مسبب آنها می‌شود. بلکه بدین معناست که هر الگوی رویداد را نمی‌توان از جایی که در آن اتفاق می‌افتد جدا کرد (همان، ۶۱). پس راه فهم الگوها این است که آنها را رویدادهایی زنده در فضاهایشان تلقی کنیم. در این معنا، همه جا «فضا + رویداد» یک الگوست.

##### ۴-۲. منظر

منظر حیطة بسیار وسیعی از دنیای پیرامونی ما را در برمی‌گیرد. مجموعه‌ای از ویژگی‌های بخشی از سطح زمین که آن را از دیگر

بخش‌ها متمایز می‌کند؛ بنابراین منظر ترکیبی است از موضوعاتی چون زمین‌های کشاورزی، ساختمان‌ها، تپه‌ها، جنگل‌ها، بیابان‌ها، آب‌ها و مجموعه‌های زیستی. منظر کاربری‌های زمین از جمله: مسکن، حمل و نقل، کشاورزی و مناطق طبیعی را نیز در برمی‌گیرد و می‌تواند ترکیبی از آن کاربری‌ها باشد (Spirm, 1998, p126).

##### ۴-۲-۱. دیدگاه‌های منظر و انواع آن

سایمون سوافیلد<sup>۳</sup> تمایز سه نوع منظر را مطرح می‌کند: منظر ادراک عقلی<sup>۴</sup> (تصورات ذهنی از زمین)، منظر ادراک حسی (پدیده‌های تعریف شده از طریق چشم) و منظر کل‌نگر (درک ترکیبی)<sup>۵</sup>. منظر کل‌نگر ابعاد گوناگونی از وجود انسان را در نظر دارد: ذهن، چشم، تخیل، بدن و دست (عمل) (Swaffield, 2005, p8). مخزومی و پانگتی<sup>۶</sup> گفته‌اند که منظر را می‌توان از چهار دیدگاه بررسی کرد: منظر به مثابه منظره و به مثابه مکانی خاص و به مثابه بیانی از فرهنگ و به مثابه موجودیتی کل‌نگر (Makhzoumi & Pungetti 1999: 4). از دیدگاه اسحاق زونولد<sup>۷</sup>، منظر مجموعه‌ای از سیستم‌های ارتباط است که با هم بخش متمایز یا شاخصی از سطح سیاره زمین را شکل می‌دهند (ابراهیمی دهکردی، ۱۳۹۲). این بخش از زمین با کنش متقابل نیروهای حیاتی و غیرحیاتی و همچنین کنش‌های انسان شکل می‌گیرد. در بطن این تعریف، منظر به سه شیوه تعبیر و تعریف می‌شود: ۱- منظر ادراک حسی و ۲- منظر الگو و ۳- منظر به مثابه یک اکو (سیستم). منظر به مثابه اکوسیستم مفهوم جامع منظر است که در آن دو مفهوم قبلی یکی می‌شوند و سیمای هر سیستم را بیان می‌کنند. این مفهوم موضوع اصلی منظر از دیدگاه سیستم‌هاست (Zonneveld, 1995, p4).

##### ۴-۲-۲. تفاوت منظر فرهنگی با منظر طبیعی

مطالعه منظر فرهنگی می‌تواند مقولات مختلفی را در برگیرد، مانند:

۱- مؤلفه‌های طبیعی و انسان‌ساخت محیط و روندهایی که آنها را در طول زمان دستخوش تغییر کرده‌است. این مؤلفه‌ها و ارتباطات آنها که می‌تواند هماهنگ و یا غیرمتجانس و حتی ناسازگار باشد، هم از بعد فیزیکی و هم از جنبه‌های عملکردی و تداعی‌گرشان قابل بررسی و تحلیل است.

۲- پدیده‌های مجردی که یکبار ظهور یافته‌اند و یا پدیده‌های چندگانه‌ای که در یک روند آرام و تدریجی شکل گرفته‌اند. یک قرارگاه طبیعی که به وسیله انسان‌ها تغیر نیافته است اما با معنای ویژه‌ای برای انسان‌ها در هم آمیخته است (Longstreth, 2008, p1).

۳- در تقسیم‌بندی منظر اگر بر اساس میزان مداخله انسان در طبیعت طیفی در نظر گرفته شود در یک سر این طیف، منظر

طبیعی و در سر دیگر آن منظر فرهنگی قرار می‌گیرد. بر این اساس "فردیناندز"<sup>۸</sup> منظر طبیعی را منظر می‌داند که از فعالیت‌های انسانی هیچ تأثیری نپذیرفته باشد. منظر فرهنگی تغییر شکل یافته یک منظر طبیعی توسط یک گروه فرهنگی دانسته می‌شود (Sauer, 1925). اما با نظر به مواردی که می‌تواند به عنوان زیر منظومه منظر فرهنگی مورد مطالعه قرار گیرد، یک منظر را به قید بکر و دست‌نخورده بودنش نمی‌توان صرفاً در گروه منظر طبیعی قرار داد و منظر فرهنگی قلمداد نکرد. به عبارت دیگر دخالت انسان در یک منظر طبیعی، تنها محدود به جنبه‌های فیزیکی و عینی نیست و جنبه‌های ذهنی را نیز دربرمی‌گیرد. با این نگاه و با در نظر داشتن آنکه در طول هزاران سال زیست بشر بر روی کره زمین بسیاری از مناظر دستخوش تغییر شده و یا با معانی ویژه درهم آمیخته است، تمیز دادن منظر طبیعی از منظر فرهنگی به سهولت میسر نیست.

#### ۴-۲-۳. گونه‌شناسی و دسته‌بندی منظر فرهنگی

گونه‌های منظر فرهنگی بر اساس پیوست سه راهنمای عملیاتی یونسکو به شرح زیر است:

- ۱- یک منظر جهانی طراحی شده و ساخته شده توسط انسان (پارک، درختستان، باغ‌های تفرجگاهی، پلازا، میدان، قبرستان، تفرجگاه، حیاط،...) باغ- پارک- باغ‌های مربوط به ساختمان‌ها و یا مجموعه‌های یادمانی.
- ۲- مناظری که به طور طبیعی تکامل یافته‌اند. منظر باقیمانده از گذشته (فسیل شده)- منظر در حال تکامل.
- ۳- منظر فرهنگی تداعی‌گر: در ارتباط با مؤلفه‌های مذهبی، فرهنگی، طبیعی (حنیفی، ۱۳۹۰).

#### ۴-۳-۳. تبیین منظر فرهنگی

به طور کلی در این پژوهش اصطلاح «منظر فرهنگی» معادل «منظر متأثر از فرهنگ بومی» است و به منظور آشنایی و معرفی ارتباط بین منظر و فرهنگ و نقش کیفی انسان در متأثر ساختن منظر پیرامون خویش، در ادامه به صورت مختصر به توصیف ارتباط بین منظر و فرهنگ انسانی یا همان «منظر فرهنگی» پرداخته می‌شود. به اعتقاد اسپیرن، جغرافیدان دانشگاه ویسکانسین، قدرت خواندن و بیان کردن و طراحی منظر یکی از بزرگ‌ترین استعدادها بشر در طول تاریخ بوده است. همین توانایی بود که انسان را قادر می‌ساخت در جلگه‌های گرم یا خنک، در جنگل‌های سایه‌دار و حتی در مناطق کاملاً سردسیر سکنی گزیند. لیکن امروزه حیات انسان، توانایی وی در تغییر شکل دادن به منظر و رای ظرفیت‌پذیری آن، منظر را تهدید می‌کند (اسپیرن، ۱۳۸۴، ص ۳۳). با استفاده از ابزار منظر، به عنوان ابزاری کارآمد و توانمند، انسان قادر است تمام آنچه را که در پیرامون

محیط‌زیست اوست معنا کند و انسان علاوه بر این توانایی، قادر است با فرهنگ خود بر عناصر کالبدی منظر تأثیر بگذارد. اکبو<sup>۹</sup> بیان می‌دارد که عواملی همچون الگوهای اجتماعی، آداب و رسوم، قوانین و سنت‌های انسانی و در یک کلام، فرهنگ اهمیت و قدرت تأثیرگذاری بر منظر را دارند (Eckbo, 1969, p3). وجود چنین بینشی در باب منظر و ارتباط آن با فرهنگ، اهمیت توجه و پرداخت به موضوع مهمی چون منظر فرهنگی را پیش از پیش هویدا می‌سازد و چنین می‌نمایاند که بازشناسی منظر فرهنگی در حقیقت در زمره حوزه علوم انسانی است. از سوی دیگر، انسان همیشه دارای زبان منظر بوده و این زبان را دیگر افراد نیز همواره شناخته‌اند. ولی امروزه انسان زبان منظر را به صورت ناقص به کار می‌برد و بخش اعظم آن را هم به فراموشی سپرده است. اکثر مردم منظر را به صورت سطحی و محدود رؤیت می‌کنند (اسپیرن، ۱۳۸۴، صص ۳۰-۲۹).

#### ۴-۳-۱. عناصر تشکیل‌دهنده منظر فرهنگی؛ طبیعت، تاریخ، فرهنگ

طبیعت را می‌توان از مهم‌ترین پدیده‌های هستی دانست که حیات در درون آن تجلی پیدا کرده و در چگونگی تداوم آن نقش اساسی و اصلی ایفا می‌کند. مفهوم طبیعت در تاریخ دچار فراز و نشیب‌های زیادی بود و در نهایت به گرامی‌ترین عنصر مرتبط با حیات انسان بدل شد. این ارتقاء مقام نه تنها در ارزش‌های مادی نهفته در آن بود، بلکه معنای جدیدی در ذهن و زندگی و رفتارهای انسانی نیز تولید کرد. تمدن بشری با تلاش انسان برای ارتباط و بهره‌گیری از طبیعت و درک آن آغاز شد. طبیعتی که به سادگی برای او دریافتنی نبود. منظر فرهنگی، مفهومی است در بردارنده ارزش‌های فرهنگی و طبیعی که نشانگر تعامل میان انسان و طبیعت در طول تاریخ است. مناظر فرهنگی آثار ارزشمندی هستند؛ دربرگیرنده، نگه‌دارنده و نشان‌دهنده هویت و تاریخ یک منطقه و ساکنین آن. منظر فرهنگی خلق شده طی استفاده مردم، تکامل یافته و فعالیت شخص و یا گروه، یک رویداد و واقعه تاریخی مهم منظر را شکل داده است (مخلص و همکاران، ۱۳۹۲). بر پایه گرایش‌های فرهنگی و رویدادهای تاریخی یک جامعه، منظر، ویژگی‌های فیزیکی، زیستی و فرهنگی زندگی روزمره آن جامعه را منعکس می‌کند. منظر فرهنگی در پیوند با طبیعت و در طول تاریخ شکل می‌گیرد و حیات می‌یابد و این مناظر شامل میدان‌های جنگ، قصرها، قلعه‌ها و به وجود آمدن منطقه‌ای زیستی بر مبنای اسطوره و یا یک افسانه حماسی، هستند. برای درک بهتر رابطه فضاهای انسان‌ساخت با محیط ابتدا بایستی به دیدگاه انسان در مورد طبیعت نظر داشت (کلارک، ۱۳۷۰).

### ۴-۳-۲. فرآیند شکل‌گیری منظر فرهنگی

تا قبل از انقلاب فکری فرهنگی رنسانس، مردم زندگی‌شان را در اجتماعات کوچک می‌گذراند و رابطه‌ای کل‌نگرانه و معنوی با طبیعت داشتند. هدف آنها هیچ‌گاه پیش‌بینی و مهار اشیاء نبود بلکه درک معنای وجودی آنها کفایت می‌کرد (یو، ۱۳۸۲، ص ۲۴). بدین ترتیب می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که ارتباط سه‌گانه بین طبیعت، انسان و محیط‌زیست او در قالب فرهنگ وی و مبتنی بر شناخت و درک معنای وجودی عناصر پیرامونی بوده است. بر اساس تعریفی شاعرانه، عناصر اصلی منظر همانا درخت، رود، ابر، کوه و انسان هستند (اسپین، ۱۳۸۴، صص ۲۱۵-۱۹۷). همه این عناصر در نگاهی کلی در تعادلی پویا در طول زمان شکل می‌گیرند و خود سبب تغییر در منظر و به تبع آن منظر فرهنگی می‌گردند. به نظر می‌رسد که این فرآیند زمانی به نوبه خود سبب ایجاد شکلی از منظر می‌گردد که به دلیل حضور انسان در آن می‌توان نام منظر فرهنگی را بر آن نهاد؛ بنابراین در فرآیند شکل‌گیری منظر فرهنگی، «بعد زمان» در ایجاد و سپس تقویت منظر فرهنگی نقش اساسی دارد. منظر فرهنگی در حقیقت حاصل «فرآیندسازی بین طبیعت و فرهنگ انسان» است، به‌گونه‌ای که با آن در تناسبی متنوع و گوناگون می‌آمیزد (Eckbo, 1969, p3)؛ بنابراین نظریه نقش ارتباطی بین طبیعت و انسان و محیط‌زیست او در فرآیندی زمانی تعریف‌پذیر و مطالعه شدنی است، ضمن آنکه در این توصیف تناسب و در عین حال تنوع از ویژگی‌های منظر فرهنگی قلمداد شده است که این به نوبه خود تأکیدی است مجدد بر مفهوم فضا در گذر زمان (نمودار ۱). هانزیکر (۲۰۰۰)، به نقل از هویسل و دیگران خاطر نشان می‌سازد که افراد معمولی به منظر فرهنگی سنتی تمایل و رغبت نشان می‌دهند و این بدان خاطر است که آنها با مناظر فرهنگی پیوستگی دارند و به وسیله همین مناظر فرهنگی سنتی احراز هویت می‌کنند (Solvia et al. 2008, p57-71). بی‌شک منظر فرهنگی در طول زمان شکل می‌گیرد و حاصل بر هم کنش فعالیت‌های انسانی، فرآیندهای طبیعی و تأثیرات محیطی است (Horsil, 1987; Hunziker, 2000).

### ۴-۳-۳. نقش آئین در مناظر فرهنگی

شاید قوی‌ترین نوع پیوند طبیعت و رسوم مردم را بتوان در مراکز آیینی و مقدس جستجو کرد. زندگی بسیار نزدیک با طبیعت از گذشته و به نسبت کمتری تا به امروز برای انسان‌ها بسیار مهم بوده است. در گذشته ارتباط صمیمی و خاص با طبیعت و مقدس دانستن آن، به نقطه عطفی در زندگی مردم تبدیل شد و نتیجه آن شکل‌گیری مراکز آیینی و مذهبی بود که در آنها، طبیعت مهم‌ترین عنصر و عامل تشکیل‌دهنده فضا بود. دین مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده در ساختار اجتماعی، فرهنگی و هنری جوامع

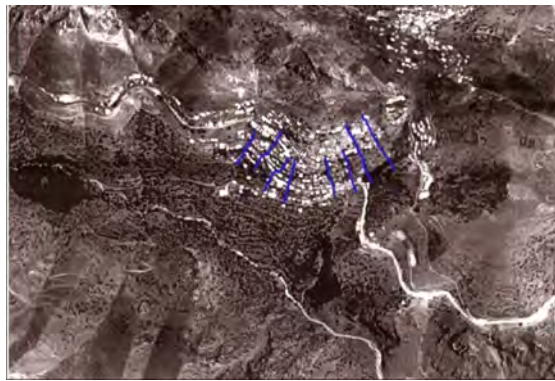
سنتی به شمار می‌رود و علیرغم وجود تفاوت بین ادیان مختلف، می‌توان نکات مشترکی نیز بین آنها ملاحظه کرد. مهم‌ترین عامل در بقای اعتقادات و باورهای مردم، کالبد بخشیدن به آنها در قالب معابد و زیارتگاه‌هاست که عموماً در کنار عناصر مقدس طبیعت، بنا می‌شوند. مکان‌های آیینی در بیشتر ادیان، بر اساس ویژگی‌های جغرافیایی، ویژگی‌های طبیعی محیط و در ارتباط نزدیک با طبیعت تعیین می‌شده است. کوه، آب، درخت از عناصر سه‌گانه و مقدس طبیعت هستند که مکان‌های زیارتی در کنار این سه عنصر برپا می‌شده‌اند و از این طریق کیفیات مثبت محیطی را متجلی می‌ساخته‌اند. "باورهای آیینی ایران باستان در ارتباط مستقیم با طبیعت و بزرگداشت و نیایش عناصر طبیعی بوده است. بیشتر بناهایی که در دل کوه‌ها، کنار چشمه‌ها و درختان مقدس بنا شده و نیایشگاه نیاکان ما بوده‌اند و تا امروز نیز زیارتگاه زرتشتیان و مسلمانان است، طبق شواهد بسیار، پرستشگاه مهر و آنهیتا بوده که در مسیر تاریخ و با ظهور ادیان جدید دچار دگرگونی شده‌اند تا مناسب با عملکرد آیین نو باشند. بسیاری از این اماکن که امروز با نام چهارطاقی، آتشکده، امامزاده و یا مقابر پیران و بزرگان مشهورند، به گذشته‌هایی دور و آیین‌های جاری نیایش آب، آتش و آفتاب در زمان خود بازمی‌گردد" (جوادی، ۱۳۸۶، صص ۲۲-۱۲).

### ۵. منطقه مورد مطالعه

روستای هورامان تخت که هم‌اکنون یکی از قطب‌های گردشگری استان کردستان محسوب می‌شود در ۶۰ کیلومتری جنوب مریوان و در قلب محور دیدنی و توریستی مریوان-کرمانشاه قرار گرفته است. این روستا در فاصله ۴۶ درجه و ۱۴ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۲۸ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۵ درجه و ۱۶ دقیقه عرض جغرافیایی قرار دارد. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد روستای هورامان بافت ویژه و نوع معماری سنگی و خاص این روستا می‌باشد. بافت این روستا که خود از اصلی‌ترین جاذبه‌های توریستی می‌باشد پلکانی و بناها با سنگ لاشه محلی و به صورت



تصویر ۱: بلوک هورامان تخت در دامنه‌های کوه‌سالان (خنیفی، ۱۳۹۰)



تصویر ۲: دره هورامان که به چند ناحیه تقسیم شده است.  
(حنیفی، ۱۳۹۰)

هورامیان، هورامان را با چشم‌اندازهایش توصیف می‌کنند. این درهٔ باریک با کوه‌های سر به فلک کشیده و باریکهٔ آب انتهایی درهٔ چشم‌اندازهای طبیعی بدیعی را پدید آورده است (مردوخ کردستانی، ۱۳۵۲، صص ۱۲۵-۱۲۰).

هورامیان در هر جایی سکونت نکرده‌اند، آبادی نیروهایی می‌طلبد که هورامیان در طول زمان به تجربه آموخته‌اند که این نیروها چه باید باشد و در کجاها می‌توان آبادی گزید. پس ابتدا باید بدانیم هورامیان آبادی‌هایشان را کجا برپا کرده‌اند. در دامنه‌های آفتابگیر کوه‌ها آنجائیکه به چشمه نزدیک است؟ در جلگه‌های کم شیب‌تر درهٔ جایی نزدیک به سیروان؟ در بلندی‌های امن؟ در مسیر راه‌ها؟ یا جائیکه به سبب اتفاقی تاریخی یا شخصی خاص مکنت یافته است؟ در هورامان آبادی‌ها در نزدیکی خط‌القعر درهٔ یا کمرکش کوه واقع شده‌اند. در این مکان‌ها نیروهایی برای امکان سکونت، آبادی‌گزیدن و در امان بودن وجود دارد. این



تصویر ۳: معماری پلکانی و همسان با طبیعت هورامان (حنیفی، ۱۳۹۰)



تصویر ۴: زندگی اهالی هورامان بر روی بام‌ها (حنیفی، ۱۳۹۰)

آبادی‌ها در بدنه‌های شمالی دره، رو به آفتاب و در کنار چشمه‌ها برپا شده‌اند (دیوان‌بیگی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۹).

خشکه‌چین و بسیار زیبا و دیدنی ساخته شده که پیشینه تاریخی بسیار طولانی دارد.

هورامان بدان‌گونه که سنت کردها از آن یاد می‌کند، یکی از قطب‌های فرهنگ باستانی کردهاست. که این امکان را برایمان فراهم می‌کند که هورامان را در آیینۀ آثار هورامیان بجوییم.

شاید بهترین این آثار که در فهم کجایی هورامان از نظر هورامیان به ما کمک می‌کند، فولکلور هورامی باشد. عمده میراث ملت کرد فولکلور است، ادبیات کرد مملو از موضوعات و قصیده‌هایی در شرح حماسه‌ها و حکایات و اساطیر ملی است. این مفاهیم غنی به شکل رقص و آواز سال‌هاست بر اندام ملت کرد جاری می‌شود. نسل کرد این میراث را از طریق راویان و همچنین اشعار و آوازهایی که تاریخ گذشته را بازگو می‌کنند، دریافت می‌کند، با تأمل در اشعار هورامیان درمی‌یابیم گفتن از هورامان همواره با توصیف طبیعت همراه است. این اشعار نسبت تفکر هورامی را با طبیعت نشان می‌دهد. طبیعتی سخت که هرگز نتوانسته است هورامیان را از اسکان در این سرزمین ناامید سازد.

نوع تعامل هورامی با جهان نشان می‌دهد هورامیان نه تنها با طبیعت در ستیزه نیستند، بلکه با آن سازگار شده‌اند؛ چرا که هورامیان خانهٔ اولشان طبیعت است. اینها با مکاشفه در کوه و درهٔ به فهم عمیقی از طبیعت اطرافشان رسیده‌اند. فهمی که سبب کشف آن حقیقتی شده است که این طبیعت از آن خبر می‌دهد. نام‌هایی که هورامیان به چشم‌اندازها داده‌اند نشانهٔ ارزشی است که طبیعت در نظر آنها دارد. چشم‌اندازهایی که از نظر هورامی‌های ساکن دره مکانی هستند واجد هویت، مکان‌هایی در حد فضای یک درخت یا به وسعت یک کوه، نام آنها در مواردی با اتفاقی تاریخی در آن مکان مرتبط است و گاه به منظرهٔ آن مکان در فصل خاصی اشاره دارد.

۶. بحث و تحلیل یافته‌ها (مظاهر منظر فرهنگی آیینی هورامان)

۶-۱. هویت چشم‌اندازها

## ۶-۳. پیرشالیار

در لغت‌نامهٔ دهخدا در مورد پیر شهریار آمده است:

"پیر شهریار: [ش] [خ] پیر شالیار. در اورامان پیر زرتشتی از مغان زرتشتی بوده است. موسوم به پیر شهریار" (که به زبان کردی او را پیر شالیار خوانند) از او کتابی باقی است به نام مآرفتو پیر شالیار (معرفت پیر شهریار) و نزد مردم هورامان بسیار محترم است و به دست خارجی نمی‌سپارند و کلماتش را در موارد بسیار به جای مثل به کار می‌بندند.

از طرفی محمد مردوخ کردستانی در تاریخ مردوخ دربارهٔ پیر شالیار می‌نویسد: برخی او را مسلمان و مصطفی نامیده و برخی او را از مغان زرتشتی و فرزند جاماسپ خوانده‌اند (مردوخ کردستانی، ۱۳۵۲، صص ۱۲۰-۱۲۵). به پیر شالیار در روایات، مذاهب متفاوتی نسبت داده شده است. بحث دربارهٔ این روایات و زمان حیات ایشان موضوع این رساله نیست اما آنچه اهمیت دارد این است که پیر شالیار پیر مغ باشد یا پیر طریقت در هورامان اسطوره‌ای است صاحب کرامات. اسطوره‌ای که در ذهن همهٔ هورامیان مرتبه‌ای خاص دارد. کردها از دیر زمان اعتقاد به قول و فعل مشایخ دارند و برای مشایخ طریقت کرامات و احترامات زیاد قائل‌اند و غالباً بدون مشورت و صلاح‌دید آنها دست به کاری نمی‌زنند (رشیدیاسمی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۳). بنابراین آنچه که آمد درمی‌یابیم هورامان تخت به سبب تختگاه بودنش و به واسطه مقام روحانی پیر شالیار نزد هورامیان جایگاه ویژه‌ای دارد. جایگاهی که سبب شده هورامیان آن را شهر بدانند.

## ۶-۳. عروسی پیر شالیار

یکی از اصیل‌ترین نمادهای هورامیان در نمایش باورهای



تصویر ۵: «کولان»، هم جهت با شیب و کم‌عرض (نگارندگان)

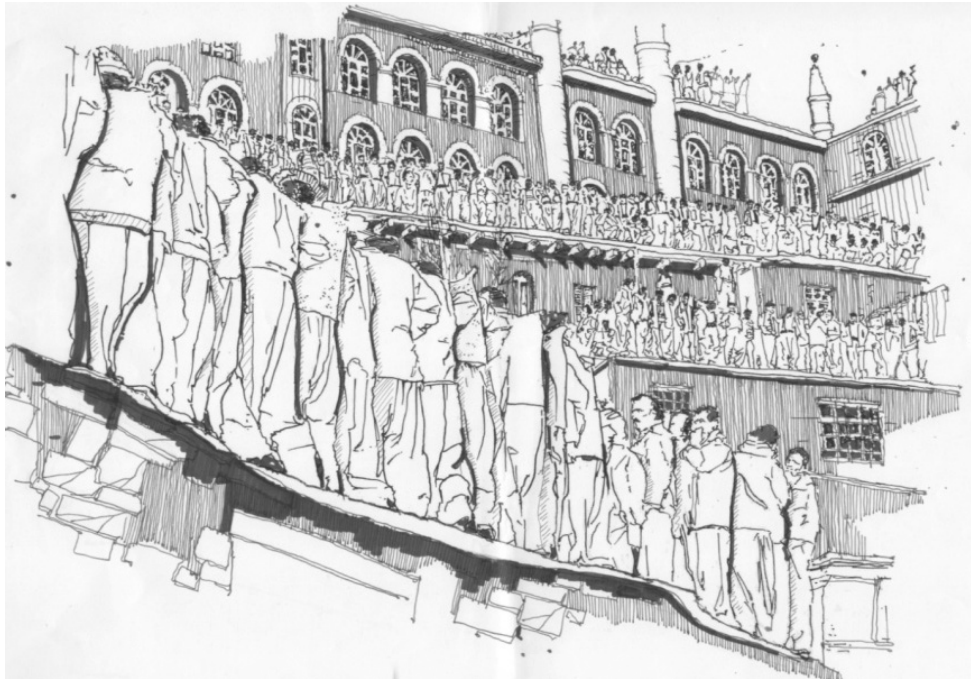
آیینی‌شان مراسم عروسی «پیر شالیار» است. جشن عروسی پیر شالیار که مراسمی بسیار کهن است، اگرچه در طول زمان با تغییرات بسیاری مواجه شده، ولی ریشه‌های کهن و اساطیری خود را به خوبی حفظ کرده است. همه‌ساله ۴۵ روز بعد از شروع فصل زمستان و هم‌زمان با جشن «سده»<sup>۱</sup> به سنت قدیمی، دو هفته مراسم آیینی «پیر شالیار» به مناسبت ازدواج افسانه‌ای پیر با دختر پادشاه بخارا برگزار می‌شود.<sup>۱۱</sup>

دو طایفه به شکل موروثی متولی برگزاری این مراسم‌اند؛ هر سال به طور نوبتی یکی از این دو طایفه برگزاری مراسم را بر عهده دارد. اهالی هورامان تخت از روزها و هفته‌ها قبل در تدارک این مراسم هستند. از آغاز بهار اهالی قربانی‌هایی برای مراسم همان سال نذر می‌کنند و آنها را به متولی مراسم می‌سپارند. در اواخر هفتهٔ اول بهمن با تقسیم گردهای باغ پیر در میان اهالی شهر مراسم آغاز می‌شود. مرحلهٔ دیگر این آیین در هورامان تخت همان است که پیش‌تر ذکر آن رفت: «کلاوژوچن»؛ در بامداد اولین روز عروسی پیر که آخرین چهارشنبه پیش از پانزدهم بهمن است کودکان بر بام خانه‌ها با فریاد «کلاوژوچنه» شروع عروسی را اعلام می‌کنند؛ همزمان دامدارانی که دام‌های خود را برای قربانی در این مراسم نذر کرده‌اند، دام‌ها را جلوی ورودی خانه پیرشالیار می‌آورند تا به دست متولیان مراسم ذبح شوند. پس از ذبح قسمتی از گوشت‌ها را به عنوان تبرک در بین مردم پخش می‌کنند و بخشی از آن را هم برای غذای مراسم به داخل خانه پیر انتقال می‌دهند. در این مراسم هر طایفه‌ای همان کاری را انجام می‌دهد که اجداد او در زمان حیات پیر، در مراسم عروسی انجام داده است، طایفه‌ای مسئول نگهداری از احشام نذری و ذبح آنهاست، و طایفه‌ای دیگر پخت و پز آش نذری را بر عهده دارد و... در واقع این مراسم نشان از ساختارهای اجتماعی شهر هورامان تخت دارد. دیگ‌های بزرگ آش در خانه پیر بر آتش گذاشته می‌شوند و آش نذری در ظهر چهارشنبه و پنجشنبه بین هورامیان و میهمانان تقسیم خواهد شد مردان مقداری از غذای جشن را به عنوان تبرک به خانه می‌برند تا زنان نیز از برکت این غذا بی‌نصیب نمانند.



تصویر ۶: آرامگاه پیرشالیار در موسم زیارت (نگارندگان)

تصویر ۷: مراسم عروسی پیر شالیار بر روع قطاع های بامها (نگارندگان)



که از چهارشنبه تا پنجشنبه شب به طول می‌انجامد در خانه پیر به روی مردم باز است و هر کسی می‌تواند برای دیدن گیوه و تسبیح پیر که از او به یادگار مانده است وارد خانه شود. دیگر آیین عروسی پیر شالیار «تربه» است؛ یک هفته بعد از «شه و ونیشتی» یعنی در سومین جمعه بهمن ماه، مردان در صف‌هایی طولانی به زیارت پیرهای هورامان تخت و اطرافش می‌روند. در این روز هر طایفه‌ای به زیارت یک پیر می‌رود. و نان‌هایی را که روز قبل

بعد از نماز ظهر در اویش قادری<sup>۱۲</sup> که به طور عمده از اهالی آبادی‌های اطراف و قریه‌های مرزی عراق هستند و از سه‌شنبه شب میهمان هورامان تخت شده‌اند بر بام جلوی خانه پیر حلقه زده و با آوای عرفانی دف، شروع به ذکر و سماع می‌کنند. در روز دوم این مراسم تا شب ادامه دارد؛ هورامیان این شب را «شه و ونیشتی» یا همان شب نشست می‌گویند. در این شب مردان هورامی در خانه پیر گرد هم می‌آیند<sup>۱۳</sup>؛ در خانه پیر هر طایفه‌ای، جای مخصوص خود را دارد به طوری‌که هر شخص می‌تواند فقط در جایی بنشیند که اجداد او ۹۵۰ سال پیش در آنجا می‌نشستند. مالکیت این طوایف بر مراسم یا حتی بخش‌هایی از خانه پیر هر چند نانوخته بوده اما از نسلی به نسل بعد به ارث رسیده است. این مراسم یکی از همان پیمان‌هایی است که اهالی هورامان تخت بر سر مالکیت آنها پیمان<sup>۱۴</sup> نانوخته دارند. در این شب بزرگان و دانایان، در وصف پیر شالیار و مسایل مذهبی و عرفانی سخن می‌گویند. بعد از آن سرودی یا قصیده‌ای خوانده می‌شود و پایان جلسه با دعا ختم می‌شود. در طی مراحل مختلف مراسم



تصویر ۹: خانه پیر شالیار، مراسم پختن آتش مراسم عروسی (نگارندگان)



تصویر ۸: حضور هورامیان و دراویش قادری از مناطق دیگر در مراسم عروسی پیر شالیار (حنیفی، ۱۳۹۰)



توسط زنان طایفه تهیه شده، بر سر مزار پیرها می‌برند و پس از جمع شدن بر سر مزار پیر، نان‌ها را بین حاضران تقسیم کرده و با ماست می‌خورند.

#### ۶-۴. خانه پیرشالیار<sup>۱۵</sup>

در متون تاریخی هورامیان به پیرشالیار و خانه افسانه‌ای او به دفعات اشاره شده است. ماجرای ملاقات پیرشالیار و کوسه حجیج<sup>۱۶</sup> در متون «پارسان»<sup>۱۷</sup> که در آن پیرشالیار را به عنوان



تصویر ۱۰: ورودی خانه پیرشالیار (نگارندگان)

یکی از یاران سلطان اسحاق معرفی می‌کنند؛ از این قبیل است. در این متون داستانی در ارتباط با پیرشالیار روایت می‌شود که مانند دیگر داستان‌های «سرانجام» سراسر معجزات و مکاشفات یاران اهل حق است (صفی‌زاده، ۱۳۸۷).

#### ۶-۴-۱. نالایه<sup>۱۸</sup>

امروز خانه پیرشالیار به عنوان یادگار مقدس او در میان هورامیان باقی‌مانده است و مردم دخیل‌های خود را به ریسمانی بر بام این خانه آویخته‌اند، همانکه «نالایه» می‌خوانندش و آن را در اماکنی که برایشان مقدس است نصب می‌کنند. بام خانه پیر یکی از این اماکن مقدس است تا جائیکه بر آن قدم نمی‌گذارند و از بام خانه پیرشالیار حاجت می‌طلبند.

شاید این سؤال مطرح شود که چرا دخیل‌ها مانند دیگر اماکن متبرکه از در یا پنجره آویزان نیستند؟ به نظر می‌رسد هورامیان روح پیرشالیار را بر روی بام خانه‌اش بیشتر حس می‌کنند تا درون آن و این درست مانند آن ارتباطی است که خودشان با کالبد

خانه‌ها دارند.

#### ۶-۴-۲. مقبره پیرشالیار

مقبره پیر بنایی است سنگی و ساده با گنبدی کوچک، آرام گرفته بر روی تپه‌ای مقابل هورامان تخت. عظمت این بنای ساده از سنگ به قامت اعتقادی است که هورامیان به پیرشالیار دارند. در واقع اینکه مقبره در خارج از شهر هورامان ساخته شده نشان از کثرت احترام به صاحب آن دارد؛ این جدایی مفهومی به جز جدایی و قداست آن از امور دنیوی و روزمره زندگی نمی‌تواند داشته باشد. اطراف مقبره تنها مزار امواتی است که به سبب



تصویر ۱۱: نالایه‌ای بر دو درخت مقدس در نزدیکی هورامان تخت (حنیفی، ۱۳۹۰)

احترامی که هورامیان برای اموات قائل‌اند، آن‌ها را در جوار پیر به



تصویر ۱۲: دیوار و درب ورودی مقبره پیر (نگارندگان)

خاک سپرده‌اند. محوطه مقبره دیوار یا حفاظی ندارد؛ و این بنا بر بستری طبیعی واقع است؛ اما آنچه در زیارت از این زیارتگاه ساده اهمیت دارد آداب ورود به آن است.

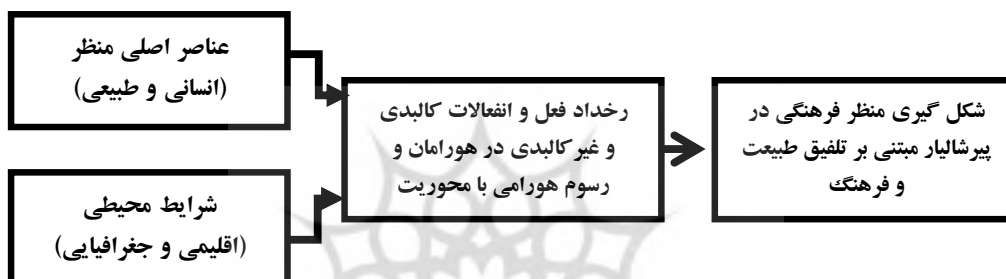
## ۶-۵. مناسک زیارت هورامان تخت

زیارت صرف‌نظر از عمل حقیقی و خالصش در دین، به سبب ویژگی‌هایش در هرکجا که اتفاق بیفتد ظهوری خاص می‌یابد؛ ظهوری ناخالص با حواشی و رویدادهایی ملازم. در حقیقت در مطالعه زیارت در هورامان با طیفی مواجهیم؛ طیفی از اعتقاد محض تا ظهور ناخالص بیرونی و عامیانه‌اش. آنچه به معماری و شهر هورامان تخت مربوط می‌شود هردوست؛ اما دومی ارتباطش آشکارتر و ظاهری‌تر است. یکی از جهت آیین و آداب و مناسک<sup>۱۹</sup> است. آداب و آیین ظاهری

زیارت چون طی مسیر، رؤیت و ... به کالبدی مناسب برای روی‌دادن نیاز دارد: کالبدی که بتواند همه آیین و آداب ظاهری زیارت با همه ویژگی‌هایش را در خود جای دهد و برگزاری آن را امکان‌پذیر کند. اگر میهمانی به زیارت هورامان تخت می‌آید، این شهر باید لباسی باشد به قامت آداب ظاهری زیارت. پس باید در شهر امکانی برای میهمان فراهم شود که آیین زیارت را به‌جا آورد (حنیفی، ۱۳۹۰).

## ۶-۶. مظاهر طبیعی و فرهنگی در منظر فرهنگی - آئینی هورامان

در نمودار زیر فرآیند شکل‌گیری منظر فرهنگی در هورامان با محوریت پیرشالیار نشان داده شده است (نمودار ۱).



نمودار ۱: فرآیند شکل‌گیری منظر فرهنگی هورامان (نگارندگان)

## نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش انجام گرفته شده نشان می‌دهند که ارتباط و تعامل بین کنش‌های انسان، آئین و طبیعت در هورامان مبتنی بر معیارهای مشخصی است که فرهنگ، در طول تاریخ نقش بسزایی در شکل‌گیری، تقویت و تثبیت آنها تاکنون داشته است. مجموعه این ارتباطات در اشکال و ابعاد مختلف که نشانگر شکل زندگی، نحوه تعامل، الگوی ارتباط با محیط پیرامون و نحوه برگزاری مناسک مذهبی و جشن‌ها، نوعی رفتار برمبنای الگوهای فرهنگی خاص است که نشان‌دهنده منظر فرهنگی هورامان با محوریت پیرشالیار، را ساخته است. با توجه به توصیفات ارائه‌شده در خصوص عوامل شکل‌دهنده به منظر فرهنگی هورامان، می‌توان مهم‌ترین شاخص‌های منظر فرهنگی این کانون را در سه حوزه طبیعی (جغرافیای دره هورامان) و کالبدی (معماری هورامان) و آئینی (مراسم هورامان) برشمرد. دلایل بروز هر یک (ویژگی‌های بنیادین منظر فرهنگی) متناسب با اقلیم، تاریخ، آئین‌های مذهبی و کنش‌های رفتاری بوده است، ناگفته پیداست که این اشتراکات را می‌توان تحت عنوان منظر فرهنگی خاص این منطقه دانست. در جدول‌های زیر مهم‌ترین عوامل هر حوزه به همراه توضیح مختصری از شاخص مورد نظر معرفی شده است.

جدول ۱: معرفی شاخص‌های منظر فرهنگی هورامان از نظر عوامل کالبدی (نگارندگان)

شاخص‌های کالبدی	نمود شاخص در منظر فرهنگی
خانه پیرشالیار	خانه‌ای کوچک که با مصالح سنگی بنا شده است و بومیان آن را رازآلود می‌دانند.
مقبره پیرشالیار	بنایی است سنگی و ساده با گنبدی کوچک

جدول ۲: معرفی شاخص‌های منظر فرهنگی هورامان از نظر منظر طبیعی (نگارندگان)

شاخص‌های منظر طبیعی	نمود شاخص در منظر فرهنگی
هویت چشم‌اندازهای طبیعی	دره باریک با کوه‌های سر به فلک کشیده و رودی انتهایی دره، معرف هویت طبیعی هورامان
معماری منطبق بر توپوگرافی روستا	روستای هورامان بر بستر طبیعی زمین قرار گرفته و بافتی پلکانی را شکل داده است.
تقدس درختان	هورامیان دخیل‌های خود (ثالایه) در اماکنی که برایشان مقدس است می‌آویزند.

جدول ۳: معرفی شاخص‌های منظر فرهنگی هورامان از نظر آداب و رسوم (نگارندگان)

شاخص‌های آداب و رسوم	نمود شاخص در منظر فرهنگی
مناسک زیارت هورامان (پیرشالیار)	در سومین جمعه بهمن‌ماه، مردان در صف‌هایی طولانی به زیارت پیرهای هورامان می‌روند.
مراسم عروسی پیر شالیار	اولین روز عروسی پیر که آخرین چهارشنبه پیش از پانزدهم بهمن است.
مراسم عرفانی رقص و سماع	دراویش قادری بر بام جلوی خانه پیر حلقه‌زده و با آوای دف، شروع به ذکر و سماع می‌کنند.
مراسم پخت آتش مراسم عروسی	هورامیان با نظمی نانوشته و به صورت مشترک برای مراسم نان و آتش می‌پزند.

### پی‌نوشت‌ها

- نگاه کنید به: ایمس راپوپورت، «خاستگاه‌های فرهنگی معماری»، صدف آل رسول، افرا بانک، خیال، ۸، ص ۵۶.
- الکساندر هیچ جای کتاب تعریف دقیقی از فرهنگ نمی‌کند و این تعریفی از فرهنگ است که در این متن به آن قائلیم و توضیحش خواهیم داد.
- Simon Swaffield
- conceived
- holistic
- Jala Makhzoumi & Gloria Pungetti
- Zonneveld
- Ferdinands
- Eckbo
- جشن سده، یکی از جشن‌های ایرانی، است که در آغاز شامگاه دهم بهمن ماه یعنی آبان روز از بهمن ماه برگزار می‌شود.
- در تاریخ مردوخ به مراسم پیر شالیار اشاره شده است. پیر شالیار در سال‌های سکونت در هورامان تخت مکاشفات زیادی از خود نشان می‌دهد و بیماران زیادی را شفا می‌دهد.
- در هورامان به پیروان طریقت نقشبندی، صوفی می‌گویند و پیروان طریقت قادریه را، درویش می‌نامند.
- فقط مردان در خانه پیرشالیار به نیایش و ذکر گرد هم می‌آیند.
- از آن جهت پیمان می‌گوییم که خود اهالی بیشتر علت اینکه چرا مثلاً طایفه رستمی متولی برگزاری مراسم است را می‌دانند با اینکه جایی آن را ثبت نکرده‌اند اما از این قراردادهای تخطی نیز نمی‌کنند.
- یانه و پیشه لیاری /yāna-w pīr[šalyārī/ خانه پیر شالیار.
- نامش «عبیدالله» است، فرزند امام موسی کاظم علیه‌السلام و برادر امام هشتم. نام روستای جیحجیح در هورامان از این امامزاده گرفته شده است.
- یارسان یا اهل حق مسلکی است عرفانی که در سده هفتم هجری توسط سلطان اسحاق بنیان‌گذاری شد. هورامان کردستان محل تولد آیین حق است.
- تالایه/ ālā'ya/ اسم، مؤنث؛ ریسمانی که پارچه‌هایی به عنوان دخیل بر آن بسته شده است.
- مقصودمان از آداب و مناسک زیارت؛ آداب برگزاری زیارت مطابق متون دینی و مذهبی هورامیان نیست بلکه آداب و مناسکی مد نظر است که در میان مردم به وقوع می‌پیوندد و متداول است.

### منابع

- ابراهیمی دهکردی، امین (۱۳۹۲). نقش عوامل فرهنگی، مذهبی و اکوتوریستی در توسعه گردشگری ابرکوه. فصلنامه جغرافیایی فضای گردشگری، (۹)، ۱۶-۱.
- اسپیرن، آن ویستون (۱۳۸۴). زبان منظر. (سیدحسین بحرینی و بهناز امین‌زاده، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶). معماری و راز جاودانگی (راه بی‌زمان ساختن). (مهرداد قیومی بیدهندی، مترجم). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- پردیس، حنیفی (۱۳۹۰). زبان الگوی سکونت در هورامان؛ میهمانخانه‌ای در هورامان تخت، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان.
- جوادی، شهره (۱۳۸۶). اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت (آب، درخت و کوه). فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، (۸)، ۱۲-۲۲.
- دیوان‌بیگی، حسین (۱۳۸۲). خاطرات دیوان‌بیگی. تهران: انتشارات اساطیر.
- راپوپورت، ایمس (۱۳۸۲). خاستگاه‌های فرهنگی معماری. (صدف آل رسول و افرا بانک، مترجم). خیال، (۸)، ۹۷-۵۶.
- رشیدیاسمی، غلامرضا (۱۳۶۳). کرد و بیوستگی نژادی و تاریخی او. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سجاذزاده، حسن (۱۳۹۳). بررسی تأثیر آئین زرتشت بر معماری، اولین همایش ملی معماری، ۱۳۹۳، تهران: عمران و محیط زیست شهری.
- صفی‌زاده (بوره که‌ئی)، صدیق (۱۳۸۷). اهل حق. تهران: نشر حروفیه.
- کلارک، کنت (۱۳۷۰). سیر منظرپردازی در اروپا. (بهنام خاوران، مترجم). تهران: نشر ترمه.
- مخلص، فرنوش؛ فرزین، احمدعلی و جوادی، شهره (۱۳۹۲). مزار پیرمراد، منظر فرهنگی آیینی شهرستان بانه. فصلنامه

علمی پژوهشی باغ نظر، (۲۷)، ۳۸-۲۷.  
- مردوخ کردستانی، محمد (۱۳۵۲). **تاریخ مردوخ (تاریخ کرد و کردستان)**. سنندج: نشرغریقی.  
- یو، هان (۱۳۸۲). **الگوی بوم‌شناختی در معماری**. (لیلا حکیمی‌زاده و ناهید سرفراز، مترجم). فصلنامه ما، (۱۴)، ۳۷-۲۹.

- Eckbo, G. (1969). **The Landscape We See**, McGRAW-HILL BOOK COMPANY, New York.
- Hunziker, M. (2000). **Einstellungen der Bevölkerung zu möglichen Landschaftsentwicklungen in den Alpen**, Eidgenössische Forschungsanstalt WSL, Birmensdorf, Switzerland.
- Longstreth, Richard (2008). **Cultural Landscape, Balancing Nature and Heritage in preservation Practice**, Minneapolis: University of Minnesota press.
- Makhzoumi, J. & Pungetti, G. (1999). **Ecological Landscape Design and Planning: Mediterranean Context**. E & FN Spon.
- SAUER, C (1925). **The Morphology of Landscape**. University of California Publications in Geography. Number 22. Pages 19-53.
- Soliva, R. et al. (2008). **Envisioning upland futures: Stakeholder responses to scenarios for Europe's mountain landscapes**, *Journal of Rural Studies*, 24(68) 56-71.
- Spiri, Anne Whiston. (1998). **The Language of Landscape**. 125-130. In Swaffield.
- Swaffield, Simon. (2005). **Landscape as a Way of Knowing the World**. In Harvey, Sheila et al .
- Zonneveld, Isaac S. (1995). **Land Ecology: An Introduction to Landscape Ecology**. SPB Academic Publishing.



Received: 11 April 2015  
Accepted: 20 July 2015

## Recognition Cultural-Religious Landscape of Hooraman with Emphasis on Pilgrimage Celebrations of Pir-e-shalyar

**Pardis Hanifi** - MSc of Architecture, (IAU Hamedan Branch), Lecturer at Department of Architecture, Islamic Azad University West Tehran Branch, Tehran, Iran.

**Amin Ebrahimi Dehkordy\*** - PHD candidate of urbanism (IAUKHB), (IAU Isfahan International Branch), Lecturer at Department of Architecture, Islamic Azad University West Tehran Branch, Tehran, Iran.

**Seyed Ehsan Beladi Dehbozorg** - PHD candidate of Architecture, (IAU Yasuj Branch), Lecturer at Department of Architecture, Islamic Azad University West Tehran Branch, Tehran, Iran.

### Abstract

Cultural landscape concept includes natural and cultural values, which are the conclusion of interactions between humans and nature in history. In addition to the interactions, cultural landscape contains, protects and represents the identity and history of a region and the people who live in it. Hence, protecting the cultural landscape and its values are very important. Today, Hooraman region in Kurdistan with cultural concentration of shrine of Pireshalayar and its related traditions have changed to cultural landscape and identity of Hooraman. In terms of geographical location, like other shrines and holy places of ancient Iran specially like the Zoroastrians shrines, which were built centuries ago, has located near mountains, springs and trees, which is the reminder of ancient beliefs of Iranians based on Naturalism and is rooted in beliefs of gods in nature. On the other hand, virtually cultural heritage in the format of pilgrimage ceremonies, costume, traditions, celebrations, and ... besides physical factors as important and identifying factors, has remained in Hooraman. This complex has created a cultural-religious landscape that contains many values. The research initially shows that the culture of residents and pilgrims of the shrine of Pireshalayar has caused specific behaviors and consequently a cultural landscape with a pilgrimage and religious focus and institutionalized a kind of behavioral pattern in the region. The current research seeks to introduce and study unique characteristics of cultural landscape of the region from the viewpoint of Hooramis and tourists. The research method includes review of library documents, literature review, field observations, and survey. The findings show that the culture of residents and pilgrims of Pireshalayar has shaped a specific type of cultural landscape in Hooraman. In fact, the coordinated interaction "natural site of earth (nature)", "cultural and religious considerations (virtual)" and "specific architecture of the region (physical)" have caused the fundamental characteristics of the cultural-religious landscape of Hooraman that despite including structural similarities with other cultural landscapes, have exclusive characteristics.

**Keywords:** *Pire shalyar, Cultural landscape, Religious landscape, Hooraman, Hoorami*

\* Corresponding Author: [info@aminebahimi.com](mailto:info@aminebahimi.com)